فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱ ، بهار ۱۳۹۲ ، پیاپی ۳

صفحات ۱۹۲-۱۷۱

آسیب شناسی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان مورد: دهستان دیلمان، شهرستان سیاهکل

تیمور آمار[۱]، استادیارگروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۱۲ پذیرش نهایی:۱۳۹۲/۰۱/۱۸

چکیده

گردشگری به عنوان ابزاری مفید برای رشد اقتصادی در نواحی روستایی نقش غیر قابل انکاری داشته و بعنوان یک نیروی مؤثر در تحولات این مناطق محسوب می شود. اما تداوم این فعالیت در طول زمان واجد پیامدهایی است که دگرگونیهایی نظیرتعدد در سبک معماری و جانمایی کاربریها خارج از محدوده تعریف شده، تغییر در کاربریهای کشاورزی و به حاشیه رفتن فعالیتهای کلاسیک و ریشه دار در نواحی روستایی و همچنین عدم رعایت نظام کاربری اراضی از جمله آنهاست. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و باستناد مطالعات اسنادی و مشاهده و مصاحبه با کارشناسان و مدیران محلی به بررسی آسیبهای ناشی از توسعه گردشگری در یکی از نواحی روستایی استان گیلان (دهستان دیلمان شهرستان سیاهکل) می‌پردازد. ناحیه جغرافیایی این پژوهش یکی از محدوده های اکوتوریستی گیلان است که در طی دهه اخیر و بدلایلی که در این مقاله بدانها پرداخته خواهد شد شدیدترین تغییرات فضایی-کالبدی را در بستر محیطی خویش دیده و روند این تغیرات با شتاب چشمگیری در حال افزایش است. در واقع این مقاله تلاش دارد تا گسترش تفکر سرمایه داری و نقش آن در کثرت عناصر کالبدی با هویت‌های مختلف و مالاً کاهش عناصر وحدت بخش مکانی را درناحیه به تحلیل بکشد. یافته های این تحقیق نشان می دهد به طور متوسط روزانه در حدود ۲۳۰نفر گردشگر به منطقه وارد می شوند و بر همین اساس علیرغم کاهش ۳۱ درصدی در جمعیت روستایی در فاصله سرشماریهای سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، درخواست برای ساخت و ساز در این ناحیه ۲۵ درصد افزایش داشته است. علیرغم اینکه تمامی روستاهای بالای ۵۰ خانوار ناحیه و همچنین مرکز اداری-سیاسی آن (شهر دیلمان) برخوردار ازطرح فیزیکی- کالبدی هستند لیکن سرعت تغییرات در چشم انداز جغرافیایی ناحیه به گونه‌ایی است که مدیران نیز عملاً در دام منفعت مالی حاصل از این امر از سازماندهی این فضاهای بکر و مستعد غافل شده و ضرورت آنرا به فراموشی سپرده‌اند. تداوم این وضعیت می‌تواند به انحصارگرایی فضاهای جغرافیایی و از آن مهمتر تخریب منابع و واگرایی از اهداف و برنامه های توسعه پایدار ناحیه دیلمان بیانجامد.

کلمات کلیدی: تحولات کالبدی، سکونتگاه‌های روستایی، گردشگری روستایی، استان گیلان، شهرستان سیاهکل، دهستان دیلمان

[۱] نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۱۳۸۵۵۰۳ E.mail:Amar@ Iaurasht.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱). مقدمه

برای کاهش فقر در جوامع روستایی و ایجاد زمینه های رشد در این مناطق برنامه های زیادی تهیه و به مرحله اجرا در آمده است. علیرغم این اقدامات در بخش زیادی از کشورهای درحال توسعه هنوز روستا و جامعه روستایی تداعی کننده فقر و شاخصی برای اثبات بی عدالتی در عرصه های جغرافیایی یک کشور است. در کشور ما نیز در طی دهه‌های اخیر روستا در پرتو برنامه های فقرزدا و همچنین متأثر از جریانات بیرونی تحولات زیادی را تجربه کرده است. برخورداری از امکانات و خدمات رفاهی و اجتماعی تصور از جامعه روستایی به عنوان یک مکان جغرافیایی فقیر و عقب مانده را دگرگون کرد.

در این فرآیند دامنه تغییر در کارکرد منابع تولید (بویژه زمین) از کشاورزی به سایر کاربری‌ها در حال گسترش بوده و پروسه این تغییر علاوه بر اینکه بخش سنتی و ریشه‌دار تولید در این جوامع را به حاشیه می‌راند، زمینه انحصارگرایی در فضاهای جغرافیایی را افزایش داده و مغایرت بین عملگرایی و تئوریکال بودن برنامه‌های توسعه در روستاها را بیش از پیش آشکار می‌کند. پیامدهای جغرافیایی این تحولات را می توان در آشفتگی فضایی، تغییرات گسترده کاربری اراضی، رشد خارج از قاعده و مکانیابی نادرست بسیاری از کاربری‌ها بویژه کاربری‌های مسکونی و توریستی و بی عدالتی در تخصیص منابع جغرافیایی بویژه زمین و چشم اندازهای طبیعی دید و این روند مغایر عدالت فضایی است چراکه عدالت فضایی، توزیع و تخصیص عادلانه فضا و کاربری‌های وابسته به آن برای برخورداری بهتر از امکانات است. دیوید هاروی برقراری عدالت در سازمان‌یابی فضایی را در سه اصل مهم یعنی «نیازسنجی اقتصادی»، «توان سنجی محیطی» و «منافع اجتماعی» می‌داند که با پذیرش این سه اصل به مغایرت بین سازمان فضایی جامعه روستایی کشور با این اصول بیشتر پی می‌بریم و به نظر می‌رسد که تداوم این وضعیت می‌تواند به *آپارتاید منابع جغرافیایی* منجر شده و توسعه پایدار را در محدوده‌های روستایی عمیقاً به چالش بکشد.

تغییر در چشم انداز سکونتگاه‌ها امری اجتناب ناپذیر است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۳)مهندسی تعامل انسان روستایی با زیست جغرافیایی خویش در گذر زمان و تحولات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و کالبدی همراه است و مدیریت تصمیم ها و سیاستگذاری‌ها بویژه سیاستها و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مدیریت زمین را در فضاهای سازمان یافته روستایی به اتخاذ برنامه های راهبردی رهنمون می سازد (فیروز نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۷) بنابراین مدیریت بر تغییرات و عقلایی کردن اشغال خاک و کاربری زمین از اولویت‌های امور مرتبط به توسعه سکونتگاه‌های انسانی است. با این نگرش قادر خواهیم بود تا بر دگرگونی های حاصل از این نیروها کنترل و مدیریت داشته باشیم و با تعیین دامنه تغییرات و برقراری ارتباط سازنده بین محیط و استان، سودمندی و کارآمدی این تحولات را در پرتو نیازهای جامعه روستایی و ارتقاء وضعیت اقتصاد ـ اجتماعی آنها سازماندهی کنیم. ولی آیا در شرایط فعلی این روند بر جامعه روستایی ما حاکم است؟ آیا حجم دگرگونی ها و ابعاد آنها با ظرفیت های طبیعی مکان همخوانی دارد و آیا برای مدیریت بر این موج تغییر تفکری دراز مدت و اصولی مدنظر تصمیم گیرندگان و مدیران ذیربط قرار دارد؟

این مقاله تلاش دارد تا موضوع تغییر در چشم اندازهای روستایی را با در نظر گرفتن اصل عدالت بررسی نماید. ناحیه جغرافیایی این پژوهش یکی از زیباترین محدوده‌های اکوتوریستی گیلان است که در طی دهه اخیر و بدلایلی که در این مقاله بدانها پرداخته خواهد شد، شدیدترین تغییرات فضایی-کالبدی را در بستر محیطی خویش دیده و روند این تغیرات با شتاب چشمگیری در حال افزایش است. در واقع این نوشته به دنبال آن است که عرصه فعلی جامعه روستایی این تحقیق را از منظر عدالت مکانی آسیب شناسی نموده و یادآوری نماید که تحولات مربوط به محدوده مطالعاتی، نمایانگر چالش بین *عدالت و انحصار* است. مالاً تداوم این وضعیت می تواند به انحصارگرایی فضاهای جغرافیایی آن و از آن مهمتر تخریب منابع و واگرایی از اهداف و برنامه های توسعه پایدار ناحیه دیلمان بیانجامد.

۲) مبانی نظری تحقیق

سرآغاز توجه به برنامه‌ریزی‌های عدالت محور را به مفهوم امروزی از اوایل قرن بیستم می-دانند که البته نظریات و روش‌هایی مرتبط با آن تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و فکری دچار تحولات اساسی شده است (دارابی، ۱۳۸۸: ۲). متون توسعه و برنامه ریزی نشان می دهد که سه راهبرد مشخص در توسعه منطقه‌ایی بوجود آمده که مبتنی بر «منطق اقتصادی صرف»، «منطق اجتماعی و سیاسی» و «منطق حق توسعه یافتگی و حقوق شهروندی» است. در این بین راهبرد سوم برنامه ریزی توسعه منطقه ایی را ابزاری برای نهادینه کردن حقوق انسانها و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مکانها می داند تا در پرتو آن چهار دسته از حقوق توسعه (حق زندگی و سلامت، حق مشارکت، حق برخورداری از منابع، و حق توانمند شدن) به رسمیت شناخته شده و عملیاتی گردد (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۶) بر این اساس رهیافت‌های اخیر در این نوع برنامه‌ریزی جهت-گیری خاصی بر منافع عمومی و آمیختگی آن با مقوله مکان و فضای جغرافیایی هر ناحیه دارد.

مک کونل نظریه‌های فعال در این زمینه را به سه دسته «بنیادی»، «نظریه‌های شیوه کار» و «نظریه‌های اجتماعی» تقسیم می‌نماید. تئوری‌های مرتبط با مکانیابی، ساختار اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌ها و مدل‌های کالبدی در گروه اول؛ کاربری زمین، تقسیمات کالبدی، منطقه بندی و نوسازی بافت های کهنه و قدیمی در دسته دوم و بالاخره نظریه های مربوط به عدالت اجتماعی، مشارکت مردم، برنامه ریزی محلی و کیفیت محیط در گروه سوم جای می‌گیرند (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۲ به نقل از Mcconel, ۱۹۸۱). از بعدی دیگر بویژه جنبه های عملگرا و تجارب عملی این نوع برنامه ریزی، تنوع نگرش ها و تحولات فکری مرتبط با آن را نشان می دهد. اگر شکل «سنتی» برنامه ریزی کالبدی صرفاً بر مبنای توزیع زمین با لحاظ کردن استانداردها و اهداف عملیاتی یک طرح/ پروژه انجام می شود، نوع «دموکراتیک» آن بر نقش مشارکت و مدیریت محلی در توسعه و عمران کالبدی تأثیر دارد، و شکل متاخر آن یعنی برنامه‌ریزی «عدالت» حقوق و منافع همگان را در توسعه روستایی مورد تأکید قرار داده و حمایت از گروه‌های محروم و ضعیف اجتماعی را به عنوان اولویت‌های خود قلمداد می‌کند (دارابی، ۱۳۸۸).

دیدگاههای توسعه در سالهای اخیر این موضوع را مورد تصدیق قرار داده اند که روابط جامعه-طبیعت بطور اصولی از تفاوتهای مکانی در ابعادی چون طبقه،جنس،نژاد و دیگر ساختارهای اجتماعی متاثر است.در واقع به نوعی تمایز اجتماعی نیرومندی را بر روی الگوهای کنترل و بهره برداری منابع (از جمله گردشگری) شکل می‌دهند (افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۱۱۸) بر این اساس عرصه تئوری پردازی در توسعه روستایی شاهد ارائه نظریات مختلفی بوده که از ان جمله می‌توان به توسعه اکولوژیک، توسعه پایدار محلی، نظریهای توانمندسازی، حکمروایی محلی و تعاون گرایی جدید اشاره کرد .بر مبنای این تقسیم بندی‌ها و تحلیل از خط سیر فکری، نظریات مرتبط با برنامه ریزی روستایی نشان از حرکت رو به تکامل و گام به گام

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جهت حل مسائل یک سکونتگاه/ مکان جغرافیایی دارد که بواسطه تأثیر پـذیری از خصوصـیات ذاتی و جریانات و مؤلفه بیرونی دگرگونی های زیادی را تجربه کرده است. روند تاریخی اعمال و مدیریت و اجرای روش های مرتبط با اصلاح نظام یک سکونتگاه در دنیـا نیـز نشـان از همـین تغییرات در نظام فکری و عملی مجریان و متولیان توسعه روستایی بویژه در ابعـاد مختلـف آن دارد. مسلماً حاکمیت برنامه ریزی توأم با عدالت بی ارتباط با استراتژی رایج توسـعه در دنیـای امروز یعنی توسعه پایدار نیست. وقتی صحبت از پایداری در توسعه روستایی می شـود، "قابـل زیست کردن عرصه زندگی در این مناطق برای نسل فعل و آتی با تأثیر بـر بهبـودی مـداوم در روابط انسانی و محیطی" (سعیدی، ۱۳۸۹: ۲۲) به عنوان هدف اصـلی منظـور شـده و فرآینـد زمانی و مکان آن نیز به عنوان یک مقوله پویا و مداوم مطرح می شود. در این عرصه آمایش به نفع گروه های روستا زیست بویژه اقشار کم درآمـد و اجـرای عملـی برنامـه هـای مـرتبط ، در اولویت مداخله و سازماندهی فضا قرار می گیرد.

تحولات روستاهای ایران و عدالت مکانی-فضایی

فرآیند مدرنیزاسیون تغییرات گسترده‌ای را در نظام اقتصادی ـ اجتماعی جامعه ما از جملـه در جامعه روستایی در چند دهه اخیر باعث شده است. روند رو بـه رشـد شهرنشـینی و تبـدیل پرشتاب نقاط روستایی (اغلب پرجمعیت) به شهر بخشی از این تحولات است که سهم جمعیت ساکن در روستاها را از ۷۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۸/۵ درصد در سرشـماری رسـمی ۱۳۹۰ کاهش داد. ضمن اینکه در کارکرد سکونتگاه‌های روستایی نیـز متـأثر از ایـن فرآینـد تغییـرات گسترده‌ای صوت گرفت. «تحول در نظام کشاورزی، روابط بین سـکونتگاهی، مناسـبات شـهر و روستا و تغییر در شکل و الگوی مسـکن از جملـه آنهاسـت» (سـعیدی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). در ایـن عرصه یک سؤال اساسی مطرح است؛ ساختار کالبدی روستاهای کشور تا چه حد برای پـذیرش کارکردهای نوین، بویژه گردشـگری آمـادگی دارد؟ و آیـا بـرای هـدایت ایـن جامعـه و تنظـیم عملکردهای درونی آن جهت پذیرش و تطبیق با عملکردهای جدید برنامه مناسبی وجود دارد؟

یکی از بحث‌های اساسی که همواره در مسائل برنامه ریزی جهت توسعه سکونتگاه ها مطرح می شود توسعه پایدار است. وجوه اساسی این رویکرد توجه به نیازهـای نسـل فعلـی در وضـع موجود از یک طرف و حفظ منابع برای پاسخگویی به نیازهای نسل آتی از طـرف دیگـر اسـت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جنبه های مهم در این رویکرد جهت حصول به توسعه پایدار نظام های سکونتگاهی را می توان در محور اساسی یعنی بعد کالبدی و بعد اقتصادی ـ اجتماعی جستجو کرد. "ابعاد کالبدی عموماً شامل جنبه های محیطی و اکولوژیک و ساختاری مکانی ـ فضایی است و جنبه های اقتصادی ـ اجتماعی نیز عموماً در پویاسازی اقتصادی و نهادینه کردن مشارکت خود را نشان خواهد داد" (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

در بین عوامل که جامعه روستایی ما را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داد، عامل "سرمایه" به عنوان صحنه گردان اصلی تلقی می شود. اگرچه گرایش به این عامل و بکارگیری آن در ساختار زندگی و حیات اقتصادی ـ اجتماعی ساکنان روستا دارای شدت و ضعف هایی بوده که با توجه به گذشته تاریخی، ویژگی‌های درونی و نظام ارتباطی (بویژه ارتباط روستا ـ شهری) قابل بررسی است. بسیاری اعتقاد دارند که حاکمیت تفکر سرمایه داری در قبل از انقلاب باعث ساماندهی بخش هایی از فضا (محدوده های مساعد) شده و قلمروها نامساعد فراموش شده یا کمتر بدانها توجه شده است (نک به پاپلی یزدی، ۱۳۷۲، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۳؛ شکویی، ۱۳۶۴، رهنمایی، ۱۳۶۵؛ وثوقی، ۱۳۷۷؛ مرصومی-۱۳۸۶ و رضوانی، ۱۳۷۷). در واقع تفکر اصلی در نظام برنامه ریزی کلان کشور تمرکز سرمایه در مناطق مستعد و فراموشی عمدی و یا نادیده گرفتن سایر مناطق بوده است که فقدان رویکرد عدالت محور و تعادل بخش در توسعه مناطق باعث فروپاشی نظام پهلوی شد. حرکت بر مسیر عملگرای قطب رشد بانی تمرکز برنامه ریزان بر ۱۵٪ وسعت کشور و رسوب ۸۰٪ سرمایه های کشور به این مناطق شد (پاپلی، ۱۳۷۲: ۵).

با فروپاشی نظام پهلوی و حاکمیت جمهوری اسلامی، امید برای ایجاد عدالت و کاهش نابرابری های فضایی بویژه بین شهر و روستا را پررنگ نمود و از همان ابتدا اصرار بر فقرزدایی، و ارتقاء وضعیت اجتماعی- اقتصادی مردم، نگرش برنامه ریزان را به سمت مناطق روستایی سوق داده و علیرغم فقدان برنامه میان مدت و استراتژی بلندمدت در کشور (به دلیل جنگ) چرخش معناداری در اقدامات عمرانی و برنامه های فقرزدا از شهرها به سمت روستاها دیده شد. برای مدیریت بهتر بر این تفکر و هدایت عملی برنامه ها سازمان جهاد سازندگی (و بعدها وزارت جهاد سازندگی) تشکیل شد که سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامه ها توسعه در مناطق روستایی به توزیع برق در تمامی روستاهای بالای بیست خانواروستا، برخورداری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روستاها از آب آشامیدنی سالم، وراه ارتباطی مناسب بوده است. «علیرغم انتقادهایی که به این نوع رویکرد در طول ۲۰ سال بعد از انقلاب وارد شد، در نقطه مقابل موافقین،پشتوانه فکری این برنامه ها را اولویت دادن هزینه-فایده اجتماعی به جای هزینه-فایده اقتصادی می دانستند» (پاپلی، ۱۳۶۶: ۱۲۳).

دهه ۷۰ عصری متفاوت در حیات اجتماعی ـ اقتصادی روستاها رقم خورد. در این دهه با تهیه سه برنامه توسعه و شکل گیری فصلی مستقل در نظام برنامه ریزی کلان کشور تحت عنوان "عمران روستایی" نوید جهت گیری علمی و منطقی نسبت به نیازمندی ها و اولویت های توسعه در این مناطق می داد. یکی از رویکردهای اساسی در این دوره رویکرد کالبدی بود که در قالب طرح های ساماندهی روستاهای پراکنده، سازماندهی مراکز و فضاهای روستایی، توسعه پایدار مناطق روستایی و تداوم تهیه و اجرای طرح هادی به انجام رسید.

در دهه ۸۰ با توجه به تجربیات ۵ دهه گذشته و با چرخش از سیاست های تک بعدی، مقوله توسعه یکپارچه مدنظر برنامه ریزان روستایی کشور قرار گرفت. گرچه عمده بحث های مطرح شده در این خصوص عمدتاً جنبه تئوریکال داشته و عملگرایی در مباحث توسعه با جدیت پیگیری نمی شود. ضمن اینکه از مجموع رویکردهای مرتبط با توسعه روستایی کشور در ۶ دهه گذشته یک روند باثبات و هدفمند را نمی‌توان مشاهده کرد. به عبارت دیگر فرآیند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی کشور به دنبال پوشاندن نقاط ضعف برنامه‌های قبلی، تکمیل اهداف و برنامه‌های مرتبط با آنها در برنامه های بعدی و چشم‌انداز آتی این جامعه نبوده است.

۳) روش تحقیق

قلمرو مطالعاتی که برای انجام این پژوهش انتخاب شده، دهستان دیلمان، که براساس آخرین سرشماری رسمی کشور دارای ۵۴ نقطه روستایی و ۵۵۴۳ نفر جمعیت بوده است. این محدوده در جنوب شهرستان سیاهکل واقع شده و از جمله نواحی است که به دلیل تحولاتی که در یک دهه اخیر در چشم انداز جغرافیایی آن رخ داده ، بستر مناسبی برای سنجش و ارزیابی این تحولات از زاویه عدالت مکانی-فضایی عرضه می دارد که نگارنده نیز با در نظر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

گزفتن آن به بررسی موضوع پرداخته است. برمبنای طرح مسأله وضرورتهای مورد نظر، دراین پژوهش‌سوالات زیر مطرح می‌گردد :

۱. تحولات ناحیه مطالعاتی تا چه حد متأثر از فعالیتهای گردشگری است؟

۲. الزامات برنامه‌ریزی در ناحیه مطالعاتی با لحاظ کردن موضوع عدالت حول چه محورهایی قرار دارد؟

پژوهش انجام یافته بر مبنای ماهیت وروش به صورت توصیفی – تحلیلی بوده است، که با توصیف وضع موجود و ضمن بررسی خصوصیات و ویژگیهای ناحیه، ارتباط بین این متغیر را با الزامات برنامه ریزی مورد بررسی قرار داده است.

برای انجام مطالعه از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات (اعم از اسنادی و میدانی) بهره‌گیری شده است. در بخش اسنادی ضمن بررسی سوابق موضوع ،وضعیت ناحیه مطالعاتی از نظر جغرافیایی و بویژه تحولات مرتبط با گردشگری مورد بحث قرار گرفته و در بخش میدانی نیز مصاحبه با مسئولین شهرستان و ناحیه مطالعاتی و گفتگو با مسئولان و مدیران محلی در چندین نوبت به انجام رسید.

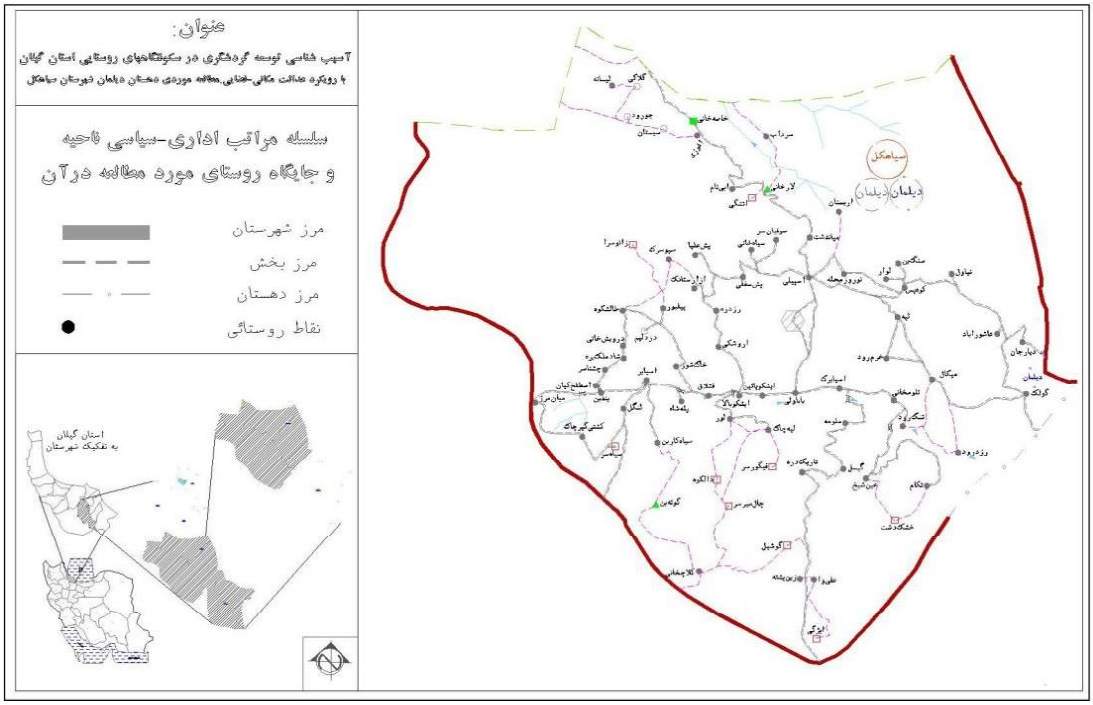

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۴) محدودهٔ مورد مطالعه

منطقه دیلمان که جزء مناطق کوهستانی و بلندیهای البرز غربی است و در زمره چین خوردگیهای آلپی به شمار می آید و شیب غالب در آن ۲۰ درصد به بالاست . بررسی های انجام شده حاکی از این است که ۷۰/۲ درصد از منطقه از شیب بالای ۴۰ درصد برخوردار است. ناحیه مطالعاتی از ارتفاع ۱۱۰۰ متر شروع شده و تا ارتفاعات ۲۳۰۰ متر از سطح دریا ادامه می یابد که منطقه دیلمان در ارتفاع ۱۶۰۰ ـ ۱۵۰۰ متری قرار دارد.

بر اساس آمار اخذ شده از تنها ایستگاه اقلیم شناسی ناحیه در دوره دهساله (۱۳۸۸-۱۳۷۸) میانگین حداقل،متوسط و حداکثر دما در این ناحیه به ترتیب ۵/۶، ۱۰/۴ و ۱۴/۲ درجه است. میانگین بارندگی سالانه ایستگاه اسپیلی دیلمان ۵۰۸/۸ میلیمتر است. در دوره آماری فوق بیشترین بارندگی در سال ۱۳۸۳ با ۶۵۲ میلیمتر و کمترین آن با ۳۲۵ میلیمتر در سال ۸۷ـ۸۶ است. توزیع فصلی بارش نیز نشان می‌دهد که پاییز با ۳۷ درصد بیشترین و فصل تابستان با ۱۴ درصد کمترین میزان ریزش را در بین فصول مختلف سال برخوردار هستند. قرار گرفتن در منطقه کوهستانی و جنگلی به این ناحیه آب و هوایی با طراوات بخشیده است. در تابستان، هوای بسیار ملایم و مطبوع، و دارای زمستان های سرد است. از ویژگی های دیگر آب و هوای دیلمان وجود ابر و مه در مدت زمان های زیادی از سال است. رطوبت کم، آفتاب زیاد، هوای معتدل و مطبوع و روزهای زیبای برفی محیطی پر جاذبه برای گردشگران خواهد بود.

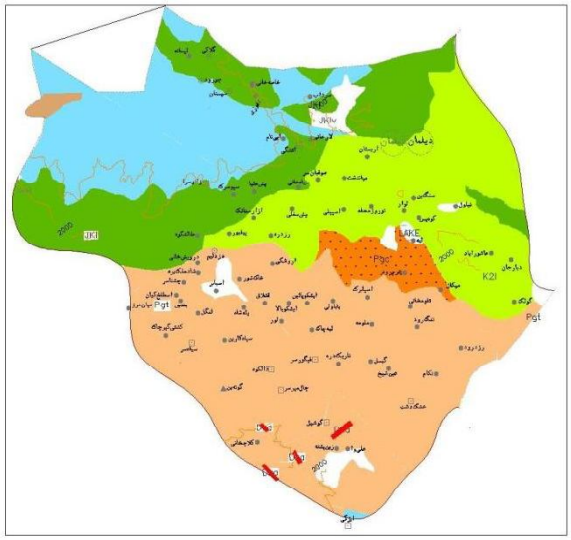

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کاربری اراضی ناحیه با توجه به ارتفاع تغییر می‌کند. از ارتفاع ۵۰۰ متر به بالا جنگل‌های متراکم شروع شده و تا ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متر ادامه می‌یابد. رودخانه‌های مختلفی در دیلمان جریان دارند. رودخانه‌های چاک رود، شن رود و زیکلی رود. ناحیه دیلمان ۳۶ چشمه دایمی، ۸ چشمه فصلی، ۱۵ رودخانه دایمی و ۴ رودخانه فصلی تشکیل شده است.

جاذبه های طبیعی بخش دیلمان شامل مناطق ییلاقی میاندشت و طالشکوه در ارتفاع ۱۷۰۰ متری ، رودخانه باباولی ، چشمه های لارخانی با ارتفاع ۱۶۰۰ متری ، چشمه روستای لوار با ارتفاع ۱۶۰۰ متری و گوته بن با ارتفاع ۱۹۰۰ متری ، آبشار، غار، برکه هایی مثل آسیابر (در مسیر دیلمان به شهرستان رودبار)و در ارتفاع ۱۵۰۰ متری ، غارهای ملومه در ارتفاع ۱۴۵۰ متر و دیارجان ۱۴۰۰ متر،منطقه شکار ممنوع آغوزی(شمال ناحیه و در محدوده جنگلی) می باشد.

جاذبه های تاریخی ـ مذهبی دیلمان شامل حمام قدیمی دیلمان(موسوم به حمام میربلوک) اماکن مذهبی و بقاع متبرکه مانند امامزاده تورا، بقعه باباولی (آرامگاه قادر پیامبر) و امامزاده حمزه در روستای کوه پس (کشوردوست، ۱۳۸۵: ۱۷۸) قلعه های تاریخی نظیر قلعه عین شیخ، قلعه کوتی میکال، کافرقلعه در جنوب روستای ابشه کوه و قلعه چاکرود در ارتفاع ۱۱۰۰ متری نام برد. بالاخره آیین های سنتی ناحیه نظیر مراسم نوروزبل نیز از جمله جذابیتهای دیلمان برای گردشگری است.

ناحیه مطالعاتی از نظر اکولوژیک یک قلمرو کوهستانی با توپوگرافی ناهمگون است که عوامل طبیعی آن از جمله ناهمواریها، ساختار زمین شناسی، اقلیم، منابع آب و پوشش گیاهی نقش عمده ای در شکل گیری, ریخت شناسی, معیشت و پتانسیل های روستاها دارند. این ناحیه با دارا بودن ۲۹۶ کیلومترمربع وسعت (۱۱/۵ درصد کل مساحت شهرستان) حدود ۵۵۴۳ نفر جمعیت را در قالب ۱۹۵۳ خانوار در خود جای داده که این میزان جمعیت در ۵۴ نقطه روستایی ساکن بوده اند.در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۳۱ درصد از جمعیت ناحیه کاسته شده که بخشی از آن مربوط به تشکیل شهر دیلمان است که از ادغام روستاهای دیلمان، اسپیلی،و چندروستای همجوار بعنوان یک نقطه شهری جدید در محدوده کوهستانی گیلان موجودیت یافت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کارکرد بخش کشاورزی ناحیه بر مبنای اطلاعات موجود بر فضایی حدود ۴۱۱۷ هکتار زمین, تولید ۵۱۱۷ تن غلات (گندم و جو), ۴۳۴ تن حبوبات, و۷۷۲ تن سبزی, محصولات صیفی و نباتات علوفه ای بوده است. ضمن اینکه در ۱۵۴ هکتار فضای باغی ناحیه نیز ۲۳۷ تن گردو و ۷۹ تن فندق تولید شده است. جایگاه ناحیه مطالعاتی در کل شهرستان نیز نشان می-دهد که این قلمرو در تولید برخی محصولات مثل جو، حبوبات، گردو و فندق اهمیت زیادی داشته و سهم دیلمان از تولیدات فوق به ترتیب ۳۱, ۲۱, ۶۷/۵ و ۲۵/۵ درصد است. دامداری بعنوان یک شیوه معیشت همزیستی دیرینه‌ای با فعالیتهای زراعی در ناحیه مطالعاتی دارد. در کل ناحیه ۲۱۷۲۰ رأس دام کوچک و ۸۳۹۵ رأس دام بزرگ برای استفاده از فرآورده های آنها نگهداری می‌شود.

برخورداری روستاهای ناحیه از خدمات زیستی و رفاهی یک روند افزایشی داشته و همانطور که از نمودار شماره (۱) مشخص است در کلیه خدمات مندرج در این گراف برخورداری روستاهای دهستان دیلمان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۷۵ ارتقاء داشته که این بهبودی این زیرساختها قطعاً در افزایش انگیزه برای گردشگران و داشتن اقامتگاه در آن را افزایش داده است.

جدول شماره (۱) : میزان برخورداری روستاهای ناحیه از خدمات رفاهی

شرح	راه آسفالته	راه شوسه	راه خاکی	آب لوله کشی	برق	تلفن	دسترسی به وسیله نقلیه عمومی
۱۳۷۵	۱۴/۵	۳۳/۸	۵۱/۷	۳۸/۷	۷۹	۱۷/۷	۲۴
۱۳۹۰	۳۱	۲۰/۶	۴۸/۴	۶۷/۲	۷۹/۳	۳۷/۴	۴۶/۵

ماخذ: معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان

۵) یافته‌های تحقیق

تحولات جامعه روستایی کشور و از جمله ناحیه مطالعاتی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. بخشی از تحولات متأثر از نیاز این جامعه و عمدتاً توسط افراد بومی (با نظارت یا بدون نظارت دستگاه‌های اجرایی) بوجود آمده، لیکن بخشی دیگر از این تغییرات ریشه داخلی نداشته و عموماً توسط افراد غیر بومی یا بومیان مهاجرت کرده به شهر و در واکنش به نیاز آنها قابل تأمل و بررسی است. در این بین تغییرات حاصل از نیروها و مؤلفه‌های بیرونی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بسیار گسترده و عمیق است و موجب دگرگونی‌های اساسی در چشم اندازهای جغرافیایی روستا است.

شدت و ضعف‌های موجود در ابعاد این تغییرات (که در وجه عینی فضا قابل مشاهده و تأمل است) عموماً از شرایط جغرافیایی مکان، متأثر است. در استان گـیلان اگرچـه سـابقه اسـکان و استقرار انسان از نواحی کوهستانی آغاز شد. لیکن در یکصد سال اخیر محدوده هـای جلگـه ای به تدریج در تصرف انسان و فعالیت های انسان قرار گرفت و شدت تغییر در پنجاه سـال اخیـر سرعتی مضاعف به خود دیده است. انزوای جغرافیایی و ارتبـاطی محـدوده هـای کوهسـتانی و قابلیت های زیستی و معیشتی جلگه باعث توجه بیش از پیش جمعیت به این قلمروها شـده و زیرساخت های جغرافیایی مناسب اجازه شکل گیری سکونتگاه‌ها بـا سـاخت پراکنـده و توزیـع متوازن بر فضا را مهیا ساخت.

در طی سی سال اخیر با خروج سکونتگاه های کوهستانی از انـزوای ارتبـاطی و فرهنگـی و بهبودی شبکه های دسترسی، از یک طرف و اشباع منـاطق جلگـه‌ای و سـاحل از طـرف دیگـر نگاه‌ها را متوجه مناطق مرتفع نمود. در مقایسه بین دو استان شمالی کشـور اسـتان مازنـدران بسیار زودتر و سریع تر از گیلان تغییرات کالبدی سکونتگاه‌های کوهستانی خود را تجربه کرده و به دلیل نزدیکی استان به پایتخت و تعدد شبکه‌های ارتباطی به این استان از تهـران و کـرج باعث شد تا تغییرات گسترده‌ای در عرصه‌های جلگـه‌ای و چشـم انـدازهای کوهسـتانی اسـتان بوجود آید.

با اشباع نسبی استان مازندران و بازگشایی آزادراه رشت ـ قزوین و آغاز عملیات اجرایـی راه آهن در همین مسیر موج تغییر در چشم اندازهای طبیعی بطور گسترده به سمت استان گیلان گرایش پیدا نمود و هم اکنون این محدوده ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع شاهد گسـترش رونـد تغییـر کاربری اراضی از اراضی مولد به سمت کاربری های غیر تولیدی (عموماً در بخـش گردشـگری) است. طبق اطلاعات مستخرج از سرشماری کشاورزی سـال ۶۷ و مقایسـه آن بـا سـال ۸۲ در مساحت اراضی کشاورزی گیلان ۲۶٪ کاهش نرخ داده است (آمار، ۱۳۸۹: ۴۳).

نظام اقتصادی منطقه دیلمان تا اواسط دهـه ۷۰ بـر پایـه فعالیـت هـای کلاسـیک منـاطق روستایی (زراعت، باغداری و دامداری) استوار بود. لیکن قابلیت هـای درونـی ایـن ناحیـه بـانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تحولات دیگری در عرصه اقتصادی در این منطقه شد که برخی با ساختار جغرافیایی آن سازگار (مثل گردشگری) و برخی نیز با ویژگی‌های زیست محیطی آن سازگاری مناسبی نـدارد (مثـل کارخانه سیمان).

جمعیت بومی ناحیه در آخرین سرشماری رسمی کشور ۵۵۴۳ نفر بوده که نسبت بـه سـال ۱۳۷۵ حدود۳۱ درصد کاهش داشته و رشـد جمعیـت آن در دهـه مـذکور ۳/۶- درصـد بـوده است،که البته بخشی از این کاهش جمعیت مربوط به تبدیل روستاهای اسـپیلی و دیلمـان بـه شهرمی باشد.شهر دیلمان در مرکز ثقل ارتباطی و خدماتی این قلمرو قرار دارد و هم به لحـاظ تاریخی و هم به لحاظ جمعیت و خدماتی قویترین و مهمترین سکونتگاه این ناحیه اسـت. ایـن کارکرد چه قبل از سال ۷۵ (که مرکز دهستان و یک نقطه روستایی) و چه بعـد از آن (کـه بـه عنوان بخش و یک نقطه شهری شناخته شد) همواره ثابت بوده و بخش زیـادی از تحـولات آن متأثر از این وضعیت بوده است.

علاوه بر کارکردهای سنتی و کلاسیک، در سالیان اخیر کارکرد جدیدی در آن تعریف شـده که چشم‌انداز آن را دگرگون کرده است. نقش استراحتگاهی و تفریحی (به تبع شرایط اقلیمی و بهبود شبکه های ارتباطی) باعث شد تا جمعیت زیادی را به سوی خود بکشاند. درخواست برای ساخت و ساز به تدریج افزایش یافت و این موضوع باعث شد تا در بسیاری از سکونتگاه‌های این ناحیه بویژه شهر دیلمان واسپیلی درصد کاربری‌هـای خـالص (بـویژه کـاربری هـای مسـکونی) افزایش چشمگیری یابد.

در پرتو این تغییرات، به نظر می رسد که فقدان یک ابـزار مناسـب بـرای سـازماندهی ایـن فضای جغرافیایی و یا عدم اجرای ضوابط و مقررات موجود، آشفتگی‌های روزافزون در این قلمرو پدید آمده است که ضمن ایجاد تغییرات نامتعـارف در فضـای کالبـدی روسـتاها و تنهـا نقطـه شهری ناحیه، زمینه انحصارگرایی در تصرف کاربری زمین را افزایش داد، و در این فرآیند ضمن تخریب منابع (از جمله کاهش سطوح کشاورزی و آسیب‌های جدی به مراتع و جنگل‌هـا) بـانی ایجاد نوعی عدم تعادل در تخصیص منابع بویژه زمـین شـده اسـت کـه در ادامـه بـه برخـی از مصادیق این نوع بی عدالتی و واگرایی از برنامه های مرتبط با توسعه بلندمدت ناحیه اشاره می-شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

الزامات برنامه ریزی توأم با عدالت مکانی ـ فضایی در ناحیه مطالعاتی:

۱- کاهش سطوح کشاورزی ناحیه در فاصله ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲

آنچه در سالیان اخیر توسعه کشاورزی را با خطر مواجه کرده است، تغییر کاربری اراضی این فعالیت ها به سمت فعالیت های دیگر بویژه بخش گردشگری است. در واقع این موضوع به قدری گسترده است که در تمامی محدوده‌های جلگه‌ایی، کوهپایه‌ایی و کوهستانی گیلان به چشم می خورد و به عبارت دیگر استثناء جغرافیایی ندارد و در کل محدوده ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربعی استان این تغییرات مشاهده می‌شود.

اطلاعات مستخرج از سرشماری‌های سال ۱۳۶۷ و ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که در طی ۱۵ سال حدود ۹۱۱۴۰ هکتار از اراضی کشاورزی گیلان کاسته شده که این ارقام نشان از کاهش ۲۶/۴ درصدی اراضی کشاورزی در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۶۷ دارد. درصد تغییرات در اراضی کشاورزی نشان می‌دهد که محدوده‌های زراعی بیشتر از قلمروهای باغی کاهش سطح داشته و با استناد این اطلاعات می‌توان گفت که تمایل به تغییر در اراضی زراعی به لحاظ اقتصادی به مراتب بیشتر از اراضی باغی است. میزان تغییر در اراضی کشاورزی استان با توجه به مقیاس آنها وضعیت یکسانی را نشان نمی‌دهد. در حالی که در اراضی کمتر از یک هکتار افزایش سطح بیشتری دیده می‌شود (که مطمئناً بخشی از آن تابع تقسیم اراضی بزرگ مقیاس در اثر قانون توارث یا فروش قطعه‌ایی زمین است) در سایر مقیاسها کاهش سطوح زمین در کاربری‌های زراعی و باغی دیده می‌شود.

۲- افزایش ساخت و ساز در ناحیه و لزوم ساماندهی آنها.

علیرغم کاهش ۳۱ درصدی جمعیت روستایی ناحیه در دهه اخیر درخواست برای ساخت و ساز افزایش چشمگیر داشته است که این مقوله از مقایسه بین تعداد واحدهای مسکونی ناحیه در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۹ و افزایش ۲۵ درصدی آنها مشخص است. بیشترین میزان در مرکز اداری ـ سیاسی ناحیه بوده که در فاصله ده ساله ۸۹-۱۳۸۰ حدود ۴۷۲ مورد ساخت و ساز جدید در آن انجام شده که ۴۰۶ مورد (۸۶ درصد) مسکونی بوده است. با توجه به اطلاعات اخذ شده از شهرداری دیلمان ۵۰ درصد از این سازه ها از سوی افراد غیر بومی ساخته شده(شهرداری دیلمان، ۱۳۹۰)که تداوم آن می تواند به انحصارگرایی فضاهای جغرافیایی ناحیه شدت ببخشد. نکته مهم دیگر در این ارتباط درخواست برای احداث بنا خارج از محدوده تعریف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شده در طرح هادی و در اراضی کشاورزی است. طبق مصاحبه با کارشناسان بنیاد مسکن استان، در سال حدود ۴۵ مورد پرونده تغییر کاربری از روستاهای دارای طرح هادی ناحیه به کمیسیون تغییر کاربری استان ارسال می‌شود که بالاترین میزان مربوط به روستای آسیابر و کمترین تعداد نیز به روستای گیسل مربوط می‌شود. این ارقام در واقع نشان دهنده عدم پایبندی به ضوابط مربوط به طرح هادی تهیه شده و اخذ مجوز برای احداث بنا در خارج از محدوده های تعریف شده است. مسلماً این موضوع باعث می شود تا در درازمدت تعادل در فضای کالبدی ناحیه کم رنگ شده و نظام کاربری اراضی سازمان درستی نداشته باشد.

۳- ساخت و ساز مغایر با معماری بومی

از بعد معماری تنوع و کثرت در فضای یک سکونتگاه موجب به هم ریختگی می‌شود، اگرچه وحدت بیش از حد نیز موجبات یکنواختی و کسالت را فراهم می‌آورد. بنابراین در برنامه‌ریزی کالبدی یک فضای سکونتگاهی لازم است تا در عین کثرت عناصر، وحدت ارگانیک یا هندسی آن نیز مدنظر قرار گیرد.

یکی از وجوه عینی تغییرات کالبدی در ناحیه آشفتگی ناشی از تکثر معماری و شیوه ساخت بنا است. این تنوع در شکل و سیمای کالبدی باعث ایجاد یک فضای توأم با تکثر ـ عمدتاً آزار دهنده ـ در فضای جغرافیایی ناحیه شده که شدت آن را بیشتر می توان در شهر دیلمان و محدوده اطراف آن دید. این در حالی است که برای فرم و نوع معماری در محدوده های روستایی ضوابط و مقررات مدون وجود داشته (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶) و از همه جالب تر اینکه بنای بسیاری از این سازه ها با وام و اعتبارات دولتی گذاشته شده که این امر می توانست دستمایه نظارت بیشتر بر ساخت بنا در نواحی روستایی باشد که متأسفانه چندان جدی گرفته نشده است.

۴- اولویت بر منافع کوتاه مدت و غفلت از ضرر دراز مدت

در حال حاضر ساکنین روستاها به دلایلی چون درآمد پایین، ناکافی بودن سودآوری بخش کشاورزی، دغدغه‌های دوران بازنشستگی، ترجیح می‌دهند تا بخشی از منافع و عوامل تولید خود را به فروش برسانند. در این بین فروش زمین رایج‌ترین شکل این انتقال از بخش اول به بخش سوم و به ویژه گردشگری محسوب می‌شود. فقدان یک طرح آمایشی مناسب و طرح های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کالبدی سختگیرانه به آشفتگی‌های ناشی از این انتقال نیز دامن می زند. ایـن فرآینـد در واقـع نقض آشکار توانمندسازی جامعه محلی برای رسیدن به توسعه پایدار و بلندمدت است. چرا کـه در آن غفلت از منافع بلندمدتی نهفته است که کشاورز به دلیل ضعف هـای مـالی از آن چشـم پوشی کرده و سروسامان دادن به وضعیت موجود خود را (با فروش زمین) بـر داشـتن منفعـت درازمدت حاصل از نگهداشت زمـین تـرجیح مـی دهـد. در صـحبت هـای رودررو بـا برخـی از ساکنین روستاهای ناحیه، آنها معتقد بودند که در واگذاری و فروش اراضی خود با قیمت پایین پشیمان هستند چرا که بعد از گذشت چند سال جهت تصاحب بخشی از همان زمین ناگزیر به پرداخت چندین برابر هزینه شده اند. دهیاران و مدیران روستاهای ناحیه نیز معتقد بودنـد کـه حساسیت مردم در فروش زمین (بویژه به صورت یکپارچه و بنه کن) افزایش یافته و بسیاری از روستائیان ترجیح می دهند اراضی خود را نگهدارند و اگر ناچار بـه فـروش هسـتندفقط بخـش کوچکی از آن را به متقاضیان (عموماً غیر بومی) واگذار نمایند. تجربه نشان داده کـه ایـن نـوع رویکرد ضمن حفظ اراضی کشاورزی در روستاها، به تداوم یک نظم ارگانیک جهت حفظ اراضی نیز کمک می نماید.

۵- آسیب پذیری ناحیه در برابر حوادث طبیعی

محدوده مطالعاتی، قلمروی کوهستانی و پرشیب است، ضمن اینکه از لحاظ زلزلـه خیـزی و حرکات دامنه ای نیز استعداد بالایی دارد. سوابق ناشی از بروز حـوادث طبیعـی در ایـن ناحیـه نشان از فعال بودن محیط و واکنش های شدید آن نسبت به رفتارهای نامناسب انسـان دارد. از طرف دیگر هجوم گردشگران و برپایی خانه های دوم در برخی موارد بـا نادیـده گـرفتن بسـتر طبیعی و اسکان در محیط های پرخطر و آسیب پذیر همراه است.

با تأکید دوباره بر وجود طرح های توسعه کالبدی در روسـتاهای بـالای ۵۰ خـانوار و مرکـز اداری- سیاسی ناحیه، متأسفانه درخواست برای ساخت و ساز آنقدر بالاست که حتی مدیران و دست اندرکاران ذیربط نیز برای دست یابی به منافع آنی و کوتـاه مـدت از عمـل بـه ضـوابط و مقررات غفلت نموده و اجازه برپایی سکونتگاه ها را در محدوده های پرشیب، حاشیه رودخانه، و مناطق مستعد حرکات دامنه ای صادر می‌کنند، غافل از اینکه این امر نقـض آشـکار تعـادل در روابط انسان و محیط است. این فرآیند در واقع نمایانگر این است که متولیـان توسـعه علیـرغم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بیان شعارهایی چون توسعه پایدار، در برابر موج سرمایه داری مقاومت چندانی از خود نشان نداده و حتی از ضوابط نیز به عنوان سپر قانونی برای مواجه با آن استفاده نکرده و در ایجاد یک سازمان فضایی آشفته و ناهنجار نقش اساسی ایفا می نمایند. پرواضح است که ساماندهی (درمان) این آشفتگی وقت و هزینه ای به مراتب بالاتر از عمل به ضوابط و احترام به قوانین طبیعت (پیشگیری) خواهد داشت.

۶- آسیب های زیست محیطی

با توجه به مطالبی که در خصوص ناحیه مطالعاتی بیان شد، و هجوم موج گردشگرانی که در قالب بازدیدهای چند ساعته، یک روزه و گردشگرانی که قصد اقامت به این منطقه وارد می شوند، و عدم مدیریت لازم بر آلودگی های زیست محیطی، فشار بر منابع محیطی افزایش یافته است. در واقع رشد روزافزون گردشگر، کاهش محدوده زیست و رشد حیات وحش و نباتات را فراهم می کند. آلودگی آب، خاک، هوا، تولید انبوه زباله، افزایش مصارف آب و کاهش آبهای زیرزمینی از جمله آنهاست.

بر اساس برآورد میزان مصرف سرانه آب در ایران حداقل ۱۶۰ و حداکثر ۲۵۰ لیتر به ازای هر نفر می باشد و میزان تولید پساب ۸۵ درصد مصرف آن است (مهدی پور ، □□□□ : ۸۷). ناحیه مطالعاتی با دارا بودن ۵۵۴۳ نفرجمعیت و با توجه به متوسط سرانه مصرف آب (۲۰۰ لیتر برای هر نفر)، تقریباً ۱۲۰۰متر مکعب آب سالم در روز برای جمعیت ساکن منطقه لازم دارد. میزان آب مورد نیاز برای هر گردشگر (بر اساس مدل اکولوژیک توریسم غیر متمرکز) ۵ الی ۱۲ لیتر در روز می باشد. با توجه به اطلاعات و آمار دریافتی از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان گیلان در سال ۱۳۹۰، تعداد گردشگران شهرستان سیاهکل بالغ بر ۸۵ هزار نفر بوده است که مقصد بسیاری از آنها دیلمان است. با این برآورد به طور متوسط در حدود ۲۳۰نفر گردشگر به منطقه وارد می‌شوند که البته اوج آن در روزهای جمعه، روزهای تعطیل و در فصول بهار و تابستان است.

با در نظر گرفتن میزان مصرف سرانه آب برای هر گردشگر به طور روزانه به طور میانگین ۴/۰۲ متر مکعب آب در هر روز برای گردشگران این منطقه لازم است. طبق مطالعات میدانی در محدوده دیلمان واسپیلی آب آشامیدنی از طریق چشمه‌های موجود (از جمله چشمه های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

لاریخانی و لور) تأمین می شود. ضمن اینکه برنامه حفر دو چاه عمیق (در سیر باباولی به چاکرود) و انتقال آب آنها به ناحیه در برنامه‌های آتی آبرسانی قرار دارد. البته در حال حاضر بخشی از منابع مورد نیاز از طریق حفر چاه در حیاط منازل تأمین می‌شود (مطالعات میدانی، خردادماه ۱۳۹۰). بر اساس داده‌های بدست آمده آب مورد نیاز در ناحیه مورد تحقیق برای ساکنان و گردشگران در هر روز ۲۳۵۴ متر مکعب است و با توجه به تولید پسابها که ۸۵ درصد آب مصرفی است میزان ۲۰۰۰/۹ متر مکعب پساب در هر روز در این منطقه تولید می‌شود که وارد محیط می‌گردد.

مصادیق بارز آلودگی هوا در ناحیه مطالعاتی تردد وسایل نقلیه گردشگران، روشن کردن آتش، تخریب پوشش گیاهی و رها سازی زباله توسط گردشگران از دیگر تاثیرات نامطلوب گردشگران در کاهش کیفیت هوای این منطقه می باشد که این زباله ها با متصاعد ساختن گازهای مضر مانند متان، آمونیاک، هیدروژن سولفوره و گازهای ازته هوای پیرامون خود را آلوده ساخته و همینطور باعث ایجاد بوی نامطبوع در محیط اطراف خود می‌شوند.

بر مبنای یافته‌های یک تحقیق، تولید زباله با ۴۸ درصد، آلودگی ایجاد شده در اثر تردد خودروها با ۱۹ درصد، و تخریب پوشش گیاهی توسط گردشگران با ۱۴ درصد به عنوان مهمترین تاثیر حضور گردشگران در محیط زیست ناحیه است. با توجه به تولید سرانه زباله ۵۰۰ گرم به ازای هر فرد، در محدوده مورد مطالعه روزانه به طور متوسط ۱/۳ تن زباله توسط ساکنان آن تولید می شود. که با حضور تقریبی ۲۳۰ نفر گردشگر در روز زباله تولید شده در سال تقریباً ۴۳/۳ تن است. نحوه جمع آوری زباله در محدوده دیلمان به شیوه سنتی می باشد و زباله‌های جمع آوری شده در محلی نزدیک به سیاهکل به نام چوشل رها سازی می‌شود. در مسیر جاده سیاهکل به دیلمان هیچ گونه اقدامی جهت جمع آوری زباله ها توسط شهرداری منطقه صورت نمی‌گیرد و زباله‌ها به صورت آزاد در طبیعت رها می‌شوند که این مسئله تهدیدی جدی برای طبیعت منطقه به شمار می‌آید (مهدی پور،۱۳۸۹: ۹۵).

از دیگر مصادیق آسیبهای زیست محیطی در ناحیه، قطع درختان و تخریب پوشش گیاهی به منظور احداث جاده و دیگر امکانات گردشگری با ۴۰ درصد، در هم شکستن درختان و شاخه‌های آنها و کندن بوته‌ها به منظور روشن کردن آتش با ۳۰ درصد، لگد کوب کردن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

گیاهان در اثر تردد‌های صوت گرفته با ۲۵ درصد و آلودگی های ایجاد شده در اثـر فعالیتهـای گردشگران که بر پوشش گیاهی تاثیر گذار اسـت بـا ۵ درصـد در ردیـف مهمتـرین پیامـدهای زیست محیطی توسعه گردشگری در ناحیه به شمار می‌رود (همان منبع: ۱۰۵).

۵) نتیجه گیری

برنامه ریزی و ساماندهی مکانی ـ فضایی یـک ناحیـه را مـی‌تـوان در چهـار مقولـه اساسـی «عدالت، کارآیی، کیفیت محیطی و سرزندگی» خلاصه کرد (سازمان شـهرداریها و دهیاریهـای کشور، ۱۳۷۸ :۵۹). در واقع برنامه ریزی مکانی – فضایی مدیریت خردمندانه فضاست، کـه بـر پایه شناخت امکانات و منابع محلی و بکارگیری منطقی آنها در جهت رسیدن بـه اهـداف یـک برنامه استوار است. آینده نگری و برنامه ریزی بعنوان ابزار مدیریت، همواره از نتایج مطالعـات و پژوهش‌های منطقه‌ایی بر می‌گیرد تا شرایط مطلوب را برای تصـمیم‌گیـری بلندمـدت و کوتـاه مدت فراهم سازد.

در این مقاله به آسیبهای ناشی از توسعه گردشگری در یکی از محدوده های روستایی استان گیلان پرداخته شد. ناحیه دیلمان به سبب دارا بودن چشم اندازهای متنوع و جاذبه های فراوان از پتانسیل های طبیعی بسیار خوبی برای جـذب گردشـگران برخـوردار اسـت. علیـرغم اینکـه منطقه فاقد امکانات و تاسیسات لازم برای جذب و توسعه گردشگری می باشد امـا در سـالهای اخیر مورد هجوم گردشگران بسیاری قرار گرفته که برای بهره گیری بلندمدت از مواهب طبیعی آن مبادرت به خرید زمین و ساخت مسکن نموده اند. این امر تحـولات گسـترده ایـی را باعـث شده که تبعات منفی آن از زوایای گوناگون مـورد بررسـی قـرار گرفـت و باسـتناد ایـن مـوارد ضرورت انجام برنامه ریزی برای رسیدن به سـاماندهی متعـادل فضـاو ایجـاد عـدالت در نحـوه کاربری اراضی واکاوی شد. در ضمن انعکاس این تبعات لزوم اتخـاذ شیوه/شـیوه هـایی کـه در نهایت به توانمندسازی جامعه بومی کمک نموده و زمینه مشارکت فعال آنها رادر این برنامه هـا تحقق بخشد را مورد تاکید قرار می دهد.

در مجموع در چارچوب برنامه ریزی کالبدی ناحیه مطالعـاتی چـالش هـای اساسـی وجـود دارد.که توجه به آنها و عمل به پیشنهادات زیر می تواند بخشی از مشکلات مربـوط بـه برنامـه ریزی در روند توسعه را ترمیم کند:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- آلودگیهای زیست محیطی ناحیه دیلمان مسئله جدی است. هنوز برای مدیریت بـر زبالـه های جامد (که روزانه و در سطح وسـیعی در عرصـه هـای جنگلـی، مرتعـی و در حاشـیه رودخانه‌ها رها می‌شوند) برنامه مدونی وجود ندارد؛ یا اگر وجود دارد اجرایی نشده است.
- تغییر کاربری اراضی کشاورزی جدی ومشکل آفرین است. اگـر پذیرفتـه شـود کـه رفتـار کشاورز در فروش زمین و قرار دادن آن در پروسه تغییر کاربری(به لحاظ منفعـت آنـی و کوتاه مدت) یک عکس العمل قابل توجیه است، نداشتن برنامه اجرایی جهـت حفـظ ایـن ثروت عظیم و حفظ قابلیت‌های تولیدی آن از سوی نهادهای ذیربط به هیچ وجه پذیرفتـه شده نیست.
- ساماندهی، مدیریت و نظارت بیشتر بر فعالیتهـای مـرتبط بـا گردشـگری بطوریکـه کـه گسترش این فعالیت منتهی به آلودگی منابع نشده و بـا اتخـاذ سیاسـت‌هـای مناسـب بـر محورها و فعالیت های آلوده کننده مدیریت شود.
- انجام برنامه‌ریزی کالبدی جهت برقراری عدالت مکانی-فضایی صرفاً در گرو داشـتن طـرح مصوب نیست بلکه نحوه اجرا و نظارت بر تحولات کالبدی سکونتگاه‌هـا مطـابق بـا پـیش-بینی‌ها و برنامه‌های تصویب شده ضامن موفقیت در استمرار مدیریت منطقی بر فضاست.

آنچه در سالیان اخیر در ناحیه مطالعاتی رخ داده نشـان مـی‌دهـد کـه نظـام مشخصـی در تنظیم کاربریها و نحوه استقرار آنها در ناحیه دیده نمی شود. اگرچه روستاهای بزرگ ناحیـه بـا برخورداری از طرح هادی (که بعنوان یک ابزار اجرایی در هدایت کار بری روستاها مورد استفاده قرار می‌گیرد) دارای یک محمل قانونی جهت صدور مجوز وایجـاد سـاخت وسـازهای مسـکونی شده اند. اما علیرغم این ابزار قانونی نیز بنظر می رسدکه ناحیه مطالعاتی (به مثابـه بسـیاری از محدوده‌های کوهستانی استان گیلان) نیاز به یک طرح جامع و راهبـردی مشخصـی دارنـد تـا ضمن ایجاد بستری مناسب برای بهره گیری اصولی از تمامی ظرفیتهـای توریسـتی بـه برنامـه ریزی درازمدت در این مناطق اقدام شود چه در فقدان این نوع تفکر تجربه تلـخ محـدوده‌هـای جلگه‌ای و ساحلی (که حاصل بارگذاری و گسترش بی حد و حصر و خارج از چارچوب می‌باشد) یک بار دیگر در قلمروهای کوهستانی تکرارخواهد شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۶) منابع

- آمار، تیمور، (۱۳۸۶)، **جمعیت و شهرنشینی در گیلان؛یک بررسی جغرافیایی**، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- آمار، تیمور، (۱۳۸۹)، **ضرورت تهیه طرح آمایش منطقه ای در استان گیلان**، ماهنامه مدیریت جهانگردی، شماره ۱۸-۱۹
- افتخاری، عبدارضا رکن الدین و سید علی بدری، (۱۳۹۱)، **بنیانهای نظریه ایی الگوی توسعه روستای نمونه**،استانداری گیلان
- افتخاری، عبدارضا رکن الدین و دیگران، (۱۳۹۰)، **بنیانهای نظریه ای برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی**،بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان، (۱۳۹۰)، **طرح هادی روستاهای ناحیه مطالعاتی**، معاونت عمران روستایی،
- پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۷۷)، **تحولات علم جغرافیا بعد از انقلاب اسلامی**، مجله دانشگاه انقلاب.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۷۲)، **تمرکززدایی و عدم تمرکززدایی و اثرات آن**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۲.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۸۳)، **عدالت اجتماعی و توسعه ـ کاربرد فلسفه و ایدئولوژی در آمایش سرزمین**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۸۳.
- دارابی، حسین، (۱۳۸۸)، **مروری بر تئوری های برنامه ریزی کالبدی**،
- رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۶۵)، **جزیره کیش، بررسی توان توریستی و چشم انداز سیاست جهانگردی داخل آن**، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی شماره ۳.
- سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، (۱۳۷۸)، کتاب سبز (راهنمای) شهرداریها، انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، (۱۳۸۵)، **مطالعه ظرفیتها و پتانسیلهای گردشگری استان گیلان**، مشاورین پایش سبز.
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۹)، **ده مقاله در شناخت سکونتگاه های روستایی**، نشر مهر مینو، تهران.
- شکویی، حسین (۱۳۶۴)، **جغرافیدانان ایران و مسایل مهم جامعه ما**، مجموعه مقالات سمینار جغرافیا، شماره ۱.
- شهرداری دیلمان، (۱۳۹۰)، **طرح هادی شهر دیلمان**، معاونت عمران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- فیروزنیا،قدیر و دیگـران(۱۳۸۹)**چشم انداز و نظام مدیریت برنامــه ریــزی توســعه کالبــدی نــواحی روستایی ایران**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- کشوردوست، علیرضا و قربان فاخته، (۱۳۷۵)، **گیلانشهرها**، انتشارات وارسته، رشت.
- کشوردوست، علیرضا و مانا کشوردوسـت، (۱۳۸۸)، **بررسی توانهای گردشگری شهرســتان ســیاهکل**، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۹، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- مرصومی، نفیسه، (۱۳۸۶)، **تحلیل جغرافیایی از تئوری های عدالت اجتماعی**، مجله علـوم جغرافیـایی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان، (۱۳۷۶)، **فرهنگ آبادیهای استان گیلان-شهرستان لاهیجــان**، واحد آمار و اطلاعات.
- معاونت برنامه ریزی استانداری گـیلان، (۱۳۸۷)، **فرهنگ آبادیهای استان گیلان-شهرستان سیاهکل**، واحد آمار و اطلاعات.
- مهدی پور، صدیقه، (۱۳۸۹)، **پیامدهای زیست محیطی گردشگری در محدوده لونک –دیلمان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: تیمور آمار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گروه جغرافیا.
- وثوقی، فاطمه، (۱۳۷۷)، **منطقه بندی در ایران**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۰-۴۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]